

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال پانزدهم، شماره ۵۶، پاییز ۱۴۰۰  
صفحه ۲۲۳ تا ۲۴۲

## سیاستگذاری برنامه‌های توسعه در ایران پس از انقلاب و

### وابستگی شغلی در نظام بانکداری

محمد رضا علیجانی گنجی / دانش‌اندوخته دکترای مدیریت دولتی - منابع انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قاشمهر، ایران.

محمد رضا باقرزاده / استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قاشمهر، ایران (نویسنده مسئول)  
dr.mr.bagherzadeh@gmail.com

پیمان ولیپور / دانشیار پایه ۲۲ دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قاشمهر، ایران

سعید امامقلی‌زاده / استادیار گروه مدیریت دانشگاه شمال آمل، دانشکده علوم انسانی، آمل، ایران

### چکیده

موضوع این مقاله بررسی سیاستگذاری برنامه‌های توسعه در ایران پس از انقلاب و وابستگی شغلی در نظام بانکداری است. بدون شک از جمله ارکان مهم و اساسی اقتصاد ایران طی این چهار دهه، نظام بانکداری بوده که نقش تعیین‌کننده‌ای در سراسر نظام اقتصادی کشور برجای نهاده است. بر این اساس، داشتن یک نظام بانکداری سالم از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. برنامه‌های توسعه به عنوان سیاستگذاری کلان در پی تحقق و پیاده‌سازی سیاست‌های نظام بانکداری هستند. سؤال اصلی تحقیق این است که، در سیاستگذاری برنامه‌های توسعه پس از انقلاب، نظام بانکداری از چه جایگاهی برخوردار است و اینکه وابستگی شغلی در نظام بانکداری چگونه قابل تبیین است؟ فرضیه اصلی مقاله این است که هر کدام از برنامه‌های توسعه اقتصادی با رویکرد متفاوتی، به طور مستقیم و غیرمستقیم در جهت پیاده‌سازی سیاست‌های بانکی گام برداشتند. هر چند توجه به وابستگی شغلی در سازمان یک عنصر کلیدی در عملکرد هر سازمانی است، اما در برنامه‌های توسعه اقتصادی پس از انقلاب به طور صریح به این موضوع اشاره نشده است.

**کلیدواژه:** سیاستگذاری، برنامه‌های توسعه، نظام بانکداری، وابستگی شغلی، انقلاب اسلامی.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۰۹/۰۴

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۶/۰۵

## مقدمه

امروزه بانکداری، یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی در هر کشوری به شمار می‌آید که از طرفی با سازمان‌دهی و هدایت دریافت‌ها و پرداخت‌ها، تسهیل امور مبادله‌های تجاری و بازرگانی، باعث گسترش بازارها و رشد و شکوفایی اقتصادی می‌شود و از طرف دیگر با تجهیز پس‌اندازهای ریز و درشت و هدایت آن‌ها به سمت بنگاه‌های تولیدی و تجاری، سرمایه‌های راكد و احیاناً مخرب اقتصاد را به عوامل مولد تبدیل نموده و سایر عوامل تولید را که به جهت فقدان سرمایه دچار توقف فعالیت یا کاهش بهره‌وری شده‌اند را به سمت اشتغال کامل یا بهره‌وری بهتر سوق می‌دهد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی مباحث جدی حول محور نظام بانکداری شکل گرفت و مبنای این قرار گرفت تا قواعد نظام بانکی بر مبنای رعایت قواعد شریعت شکل گیرد و بر این اساس نیز عقود شرعی به منظور تأمین نیازهای متقاضیان در قانون عملیات بانکی بدون ربا پیش‌بینی گردیدند (نظرپور، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

در نظام بانکداری مرسوم (متعارف یا غربی یا ربوی) دریافت یا پرداخت سود، جزء ذات عملیات نظام بانکی است و بر این اساس هم رابطه سپرده‌گذاران و بانک و هم رابطه بانک و گیرندگان تسهیلات، علی‌الاصول در چهارچوب عقد قرض با بهره از پیش تعیین شده تبیین می‌شود؛ اما در بانکداری اسلامی به جهت ممنوعیت اخذ بهره، وضعیت کاملاً متفاوت است. بانکداری اسلامی که بر مبنای تطبیق فعالیت‌های بانکی با قواعد شرعی شکل گرفته باید کلیه فعالیت‌های خود را در چهارچوب ابزارهای مالی اسلامی یا همان عقود اسلامی با مشارکت در سود و زیان و بدون در نظر داشتن سود قطعی در اکثر موارد با مشتریان تنظیم نماید (سلطانی، ۱۳۹۵: ۳۲).

نظام بانکداری بدون ربا در ایران با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲ و اجرای آن در سال ۱۳۶۳ آغاز شد. اگرچه قبل از آن سیستم بانکداری اسلامی در دنیا شناخته شده و تعدادی مؤسسه‌های مالی بر مبنای بانکداری اسلامی و حذف ربا به ارائه خدمات بانک‌داری به مسلمان می‌پرداختند، اما نکته مهم در مورد ایران، حذف کامل بانکداری متعارف و پیاده‌سازی نظام بانکداری بدون ربا در تمام سیستم پولی کشور بود. بانکداری غیر ربوی، محلی برای تجمیع منابع پس‌انداز کنندگان و سرمایه‌گذاران است به طوری که این سرمایه‌ها در امور مختلف به قصد انتفاع در چارچوب موازین اسلامی و نظام‌های پولی و اعتباری بر اساس تفاهم قبلی بین طرفین به کار گرفته شوند. اگرچه سیستم بانکداری بدون ربا تفاوت‌های اساسی با بانکداری متعارف دارد ولی تفاوت اصلی در این

دو نظام، مربوط به نحوه مدیریت ریسک و توزیع ریسک میان بانک و مشتری است که نتیجه آن توسعه اقتصادی کشور است (فراهانی فرد، ۱۳۸۷: ۱۵۵).

بر این اساس، نظام بانکداری، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد اقتصاد هر کشوری تا حدی اهمیت دارد که برخی آن را بدیلی برای اقتصاد ملی قلمداد می‌کنند. نظام بانکداری، بیانگر پیوند تنگاتنگ میان اقتصاد و توسعه جامعه است و سطح آن در تمامی ابعاد جامعه، صرفنظر از سطح توسعه، مسئله مهمی به شمار می‌رود. سیاستگذاری در خصوص نظام بانکداری، زیربنای سیاستگذاری در دیگر عرصه‌های اقتصادی و توسعه جامعه محسوب می‌شود، و بهرغم اینکه انواع سیاست‌ها برای به سامان شدن اقتصاد یک کشور ضروری هستند، اما سیاستگذاری در حوزه نظام بانکداری به دلیل گستردگی، نفوذ و ارتباط تنگاتنگ با اقتصاد جامعه از اهمیت بیشتری برخوردار است تا جایی که بدون آن، سیاستگذاری در سایر امور اقتصادی نیز نابسامان خواهد ماند. برای رسیدن به توسعه اقتصادی، دستگاه سیاستگذاری می‌تواند مولفه‌هایی که در ارتقاء کیفیت نظام بانکداری مؤثر است را مورد توجه قرار دهد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون شش برنامه توسعه تهیه و تدوین شده‌اند که هر کدام به نحوی به نظام بانکداری توجه خاصی داشته‌اند، هر چند پس از ابلاغ سند چشم‌انداز، برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه به نسبت گذشته به نظام بانکداری توجه بیشتری نشان دادند. پس مسئله اصلی این است که در سیاستگذاری برنامه‌های توسعه پس از انقلاب، نظام بانکداری از چه جایگاهی برخوردار است و اینکه وابستگی شغلی در نظام بانکداری چگونه قابل تبیین است که در این تحقیق بدان پرداخته خواهد شد.

### ۱- چارچوب نظری تحقیق

در اندیشه اسلامی پس از پیروزی انقلاب، تفاوتی میان مذهب و زندگی اجتماعی وجود ندارد، بنابراین شریعت اسلامی نه تنها جنبه‌های عبادی، بلکه تمام ابعاد اقتصادی- اجتماعی زندگی مردم را تحت پوشش قواعد خود قرار می‌دهد، از این رو بانکداری اسلامی، یک نظام بانکی براساس اعتقادات است. فعالیت بانک‌های مختلف از حیث مطابقت با شریعت اسلامی از طریق قوانین و مقررات و در برخی از کشورها با حضور ناظر مذهبی در بانک کنترل می‌شود. به طور کلی سرمایه‌گذاری در بانک اسلامی، خواه از سوی بخش خصوصی یا عمومی باشد، باید با قصد اجتناب از ربا و کسب سود مشروع انجام گیرد. بنابراین، سپرده‌گذار، بانک و وام‌گیرنده، همگی تنها به نسبت سهم مادی و نقش اداری خود، در سود و زیانی که در فعالیت اقتصادی به دست می‌آید شریک می‌شوند (السان، ۱۳۹۰: ۸۰).

نظام بانکی اهداف خاصی را دنبال می‌کند. به همین دلیل بانک باید دارای ویژگی‌های لازم برای رسیدن به این اهداف باشند. مهم‌ترین اهداف بانکداری اسلامی عبارت‌اند از: حذف نظام بهره، معرفی عقود مشارکتی، عدم تعیین و تضمین نرخ سود مشارکت سپرده‌گذار در سود و زیان و صورتی شدن عقود این اهداف در واقع اصول نظام بانکداری ایران را پس از پیروزی انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهند (جمشیدی، ۱۳۹۷: ۸۳).

بنابراین نظام بانکداری در چند مسیر عمده مهم از بانکداری عرفی متمایز و جدا می‌شود که از جمله آن‌ها، ممنوعیت معاملات است که بر مبنای نرخ ثابت و از پیش تعیین شده‌ای (بهره) استوار است و دیگر اینکه عملیات بانکی باید بر اساس روش‌های معینی و با استفاده از ابزار و وسایل مالی خاصی انجام پذیرد. اما نظام بانکداری اسلامی ویژگی و ابعاد خاصی را در پیش گرفته است.

- ابتدا بر نظام بهره: پیدایش پول‌های فلزی و کاغذی که اندوختن آن‌ها هزینه‌ای بسیار اندک داشت، قدرت چانه‌زنی قرض‌دهندگان را بالا برد؛ به گونه‌ای که جز با درصد‌های بالا، حاضر به قرض دادن نبودند؛ چنان‌که تکامل شیوه‌های تولید و پیدایش جایگاهی برای عامل سرمایه در کنار عامل کار، عرصه جدیدی را برای رفتار قرض پدید آورد. کشاورزان، پیشه‌وران و بازرگانانی که برای فعالیت‌های اقتصادی سرمایه کافی نداشتند، به صاحبان پس‌انداز روی آوردند و بدین ترتیب در کنار قرض‌های مصرفی، قرض‌های تولیدی و تجاری نیز شکل گرفت. در عصر حاضر، گسترش نیازهای مصرفی و سرمایه‌گذاری از یک سو و رشد پس‌اندازهای صاحبان سرمایه‌های نقدی از سوی دیگر و پیدایش مؤسسات مالی مدرن و ابداع انواع پول‌های اعتباری از جهت دیگر، پدیده «قرض بابت» را از جهت ابزارها و روش‌ها، پیچیده‌تر و کامل‌تر کرد؛ به طوری که امروزه، انواعی از عملیات اعتباری بانکی و اوراق قرضه مبتنی بر نظام قرض بابت در جهان شکل گرفته، بازارهای پول و سرمایه را سازماندهی می‌کند. همزمان با قرض‌های ربوی سرمایه‌گذاری، رفتار دیگری تحت عنوان مشارکت صاحبان سرمایه و مشارکت صاحب سرمایه با صاحب کار اقتصادی در عرصه حیات بشری پدید آمد و همپای قرض با بهره رشد کرد. برای آن ابزارهای جدیدی پدیدار شد که اوراق سهام و اوراق مشارکت سرمایه‌گذاری و تاحدودی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری از مصادیق آن به شمار می‌آیند (اکبریان و رفیعی، ۱۳۹۲: ۹۱).

در نظام بهره، صاحبان پس‌انداز و مؤسسات پولی، گرفتن بهره و رباخواری را به کارهای سرمایه‌گذاری ترجیح می‌دهند؛ زیرا وام‌گیرنده چه سودبرد و چه زیان کند، سود وام‌دهنده

(بهره وام) تضمین شده است و این باعث می‌شود که اولاً وام‌ها به فعالیت‌های کوتاه‌مدت اختصاص یابد تا در صورت افزایش نرخ بهره بتوانند از آن دوباره استفاده کنند. ثانیاً در مواقعی که نرخ بهره پایین است، قسمتی از پس‌اندازها را کد می‌ماند و به جای وارد شدن در جریان تولید، راهی بازارهای پولیو سفته‌بازی می‌شود (دریایی و کربلایی، ۱۳۹۳: ۷۸).

براین اساس ویژگی‌های نظام بهره این است که در نظام بهره، صاحب پس‌انداز به چگونگی استفاده تولیدکننده از وام گرفته شده توجه ندارد؛ به همین سبب این امکان وجود دارد که تولیدکننده، آن را در زمینه‌هایی که توجیه اقتصادی ندارد، به کار گیرد.

-قطعیت بهره: در یک اقتصاد گسترده بازار، نرخ بهره نقش کلیدی و مهم پیوند و تنظیم رابطه میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را برعهده دارد. نرخ بهره واقعی که مستقل از اراده فردی و حتی دولتی، توسط مکانیسم بازار معین می‌شود، در حقیقت گویای کمیابی پس‌انداز از یک سو و بازدهی نهایی سرمایه از سوی دیگر است. کارکرد اصلی بهره در یک سیستم بانکداری عبارت است از هدایت پس‌انداز، به ویژه پس‌اندازهای متوسط و کوچک، به سوی سرمایه‌گذاری.

در نظام اقتصادی دو نوع نرخ بهره را می‌توان از هم متمایز کرد، یکی نرخ بهره واقعی و دیگری نرخ بهره اسمی. نرخ بهره واقعی به لحاظ نظری، از یک سو نمایانگر میل نهایی به پس‌انداز و از سوی دیگر بازدهی نهایی سرمایه‌هاست، یعنی در نظام بازار نرخ بهره، جایی معین می‌شود که هزینه نهایی امساک از مصرف میل نهایی به پس‌انداز با نفع نهایی ناشی از سرمایه‌گذاری برابر گردد. نرخ بهره، مانند سایر قیمت‌ها در سیستم بازار، به هیچ وجه از قبل به طور دقیق قابل پیش‌بینی نیست و تحت تأثیر عوامل مؤثر بر بازار، که غیرقابل پیش‌بینی‌اند، تغییر می‌یابد. اما نرخ بهره اسمی (پولی)، متغیری است که توسط میزان عرضه و تقاضای پول اسمی معین می‌گردد. با وجود این که عرضه پول اسمی توسط مقامات پولی (بانک مرکزی یا دولت) قابل کنترل است، اما در هر صورت تقاضا برای پول اساساً متأثر از متغیرهای واقعی اقتصادی، مانند میزان بازدهی سرمایه‌گذاری‌هاست، و توسط هیچ مرجع قدرتی قابل کنترل نیست. بنابراین در نظام اقتصادی مبتنی بر بازار، حتی نرخ بهره اسمی را هم نمی‌توان از قبل برای درازمدت دقیقاً معین نمود. این سخن تناقضی با این واقعیت ندارد که در کوتاه‌مدت، مقامات پولی و دولتی، با سیاست‌های پولی و مالی نرخ بهره بازار را در جهت افزایش یا کاهش سوق دهند؛ اما در هر صورت این متغیرهای واقعی اقتصادی هستند که از طریق مکانیسم بازار، انحرافات شدید از نرخ بهره واقعی را نهایتاً تصحیح می‌کنند (سعادت، ۱۳۹۴: ۶۹).

در میان اقتصاددانان معروف معاصر، «کینز» شاید از معدود کسانی است که نرخ بهره را همانند متفکران قدیمی، متغیری صرفاً پولی می‌داند و نه سرمایه‌ای و از این زاویه اقتصاددانان نئوکلاسیک را مورد انتقاد قرار می‌دهد. کینز، با صراحت نرخ بهره را قیمت پول، یا به سخن خود وی «ایجادکننده تعادل بین عرضه و تقاضای وام‌های پولی» تلقی می‌کند. از دیدگاه وی نرخ بهره یک‌بار، متغیری صرفاً پولی تلقی می‌شود که مقامات پولی با افزایش عرضه پول می‌توانند آن را تا حد صفر کاهش دهند و بار دیگر ملاحظه می‌شود که کینز پاداش سرمایه‌دار غیر فعال یعنی بهره را ناشی از کمیابی سرمایه می‌داند و بر این رأی است که با افزایش تجهیزات سرمایه‌ای، از طریق کاهش نرخ بهره، می‌توان کمیابی سرمایه و در نتیجه، نرخ بهره را از میان برداشت (غنی نژاد، ۱۳۷۶: ۱۴).

تفاوت اقتصادی بهره و سود علی الحساب ریشه در اختلاف ماهوی سیستم بانکداری ربوی با سیستم بانکداری اسلامی دارد. این اختلاف در دو عنصر «اطمینان» و «عدم اطمینان» نهفته است. در سیستم بانکداری ربوی، سپرده‌گذار در مورد دریافت مبلغ مازاد بر اصل سپرده خویش و میزان آن، کاملاً اطمینان دارد؛ بر عکس، در سیستم بانکداری بدون ربا، سپرده‌گذار هیچ اطمینانی از تحصیل سود نداشته و علاوه بر این میزان سود احتمالی هم برای او مشخص نمی‌باشد. به عبارت روشنتر، سپرده‌گذار در نظام بانکداری اسلامی (برخلاف نظام بانکداری ربوی) اقدام به یک عمل مخاطره‌آمیز می‌کند و آن به خطر انداختن سپرده خویش است. باید توجه داشت که این خطر، بخشی از خطر موجود در سرمایه‌گذاری و کسب و کار است که توسط سیستم بانکداری اسلامی به سپرده‌گذار منتقل می‌شود. این در حالی است که در نظام بانکداری ربوی، بدلیل نرخ بهره، سپرده‌گذار در مقابل خطرات ناشی از عملیاتی که با سپرده او انجام می‌پذیرد، کاملاً مصونیت دارد (سلطانی، ۱۳۹۵: ۲۲۱).

بانکداری ربوی به دلیل قطع ارتباط سپرده‌گذار با عملیات یا عملیاتی که با پول او تأمین مالی می‌شوند، می‌تواند نرخ بهره قطعی و از پیش تعیین شده‌ای را برای سپرده‌گذار خود تضمین نماید. ولی بانکداری اسلامی که ارتباط سپرده‌گذار را تا پایان عملیات (یا زمان فسخ و کالت) حفظ می‌کند، نمی‌تواند سود قطعی و از پیش تعیین شده‌ای را برای وی تضمین نماید. بر این اساس، می‌توان تفاوت بین نرخ بهره و سود علی الحساب را قطعی بودن نرخ بهره در بانکداری ربوی و متزلزل بودن نرخ سود علی الحساب در بانکداری اسلامی دانست (زمانی فرهنگی، ۱۳۸۹: ۴۳).

نرخ بهره به منزله «قضاء محتوم» می ماند وام گیرنده ای که سپرده سپرده گذار را با وساطت بانک ربوی گرفته است، خواه از عملیات خود سود سرشاری ببرد یا متضرر شود، برای سپرده گذار فرقی ندارد. نرخ بهره همان است که از ابتدا تعیین شده است. اما نرخ سود علی الحساب شبیه «قضاء مشروط» است! در صورتی که سود عملیات مطابق پیش بینی های قبلی به بار نشیند، آنچه به عنوان سود علی الحساب به سپرده گذار پرداخت شده، قطعیت می یابد. در عین حال ممکن است سود حاصله بیشتر یا کمتر از مقدار پیش بینی شده باشد که در آن صورت از مقایسه آن با سود علی الحساب پرداخت شده به سپرده گذار، بدهکار بودن وی به بانک یا بستنکار بودن او از بانک معلوم می گردد. بنابراین، دو مفهوم بهره و سود علی الحساب، تنها از نظر نامگذاری با یکدیگر متفاوت نیستند، بلکه تفاوت ماهوی کاملاً مهم و در عین حال ظریفی دارند. این تفاوت، قطعی بودن نرخ بهره و متزلزل بودن نرخ سود علی الحساب است و اگر این تفاوت اساسی و دقیق مورد غفلت قرار گیرد، اختلاف آن دو، تنها در دوگانگی لفظی خلاصه خواهد شد. برای تبدیل شدن سود علی الحساب به بهره، کافی است سپرده گذار را از قطعی بودن مبلغی که به عنوان سود علی الحساب دریافت کرده است، «مطمئن» نمود. زیرا همانطور که گفتیم، تفاوت بین بهره و سود علی الحساب تنها در بودن یا نبودن عنصر «اطمینان» می باشد. اگر سپرده گذار به طریقی مطمئن شود که سود علی الحساب دریافتی، حتی در صورت عدم حصول سود واقعی در عملیات سرمایه گذاری، از او باز پس گرفته نخواهد شد، در آن صورت، سود علی الحساب، دقیقاً همانند بهره خواهد بود (سیفلو، ۱۳۸۹: ۳۱۲).

در نظام بانکداری ربوی، سپرده گذار در مورد دریافت بهره، تضمین حقوقی دریافت می کند. بدین معنی که در صورت نکول بانک از پرداخت بهره مربوط به سپرده، سپرده گذار می تواند از مسئولان بانک به مراجع قانونی به سپرده گذار جهت پرداخت سود اعطا نمی شود و چنانچه در پایان دوره و پس از حسابرسی، بانک ادعا کند که سود قطعی، کمتر از سود علی الحساب پرداخت شده بوده است، سپرده گذار حق هیچگونه اعتراضی را ندارد.

- تاکید بر شایستگی اعتباری: در بانکداری متعارف، تنها موضوع مهم برای بانک آن است که وامی که می دهد و نرخ بهره ای که به آن تعلق می گیرد، به موقع به بانک پرداخت شوند. بنابراین در دادن وام، اصل مهمی که در نظر می گیرد، وجود شایستگی اعتباری قرض گیرنده است. در حالی که طبق اصل تسهیم سود و زیان، بانک فقط در صورت موفق بودن پروژه و به وجود آمدن سود، بازده دریافت می کند. بنابراین یک بانک اسلامی بیشتر

نگرانی‌اش در مورد مناسب بودن پروژه و فراست کسب و کار و توانایی مدیریتی کارفرما است و نه توانایی باز پرداخت. این جنبه از بانکداری اسلامی در بحث توزیع اعتبارات و همچنین پایدار نمودن نظام بانکداری، کاربردهای مهمی دارد. بانک‌های متعارف معمولاً توجه بسیار کمی به نتایج اخلاقی فعالیت‌هایشان در تأمین مالی می‌نمایند. در مقابل در نظام اسلامی تمامی عوامل اقتصادی باید در نظام ارزش‌های اخلاقی اسلام فعالیت نمایند و بانک‌های اسلامی هم از این قاعده مستثنی نمی‌باشند. بدین معنی که آن‌ها نمی‌توانند پروژه‌هایی را که با نظام ارزش‌های اخلاقی اسلام در تعارض هستند، تأمین مالی نمایند. به عنوان مثال، آن‌ها کارخانه مشروب سازی، کازینو، کلوپ شبانه و یا هر فعالیت دیگری را که از نظر اسلام ممنوع شده و یا هر چیزی که به عنوان ضرر زننده به جامعه شناخته شده را تأمین مالی نخواهند نمود (فراهانی فرد، ۱۳۸۷: ۷۶).

## ۲- نظام بانکداری پس از پیروزی انقلاب اسلامی

بدون شک از جمله ارکان مهم و اساسی اقتصاد ایران طی این چهار دهه، نظام پولی و بانکی بوده که نقش تعیین کننده‌ای در سراسر نظام اقتصادی کشور برجای نهاده است. مطالعه وضعیت و جایگاه فعلی نظام بانکداری ایران و مقایسه آن با دوران پیش از انقلاب، گویای پیشرفت‌های چشمگیر این نظام طی چهار دهه اخیر است؛ گرچه در این دوران، تحریم‌های سهمگین دشمنان انقلاب اسلامی موانع و محدودیت‌هایی را برای پیشبرد برخی از اهداف نظام بانکی کشور ایجاد کرده است. یکی از مهم‌ترین تحولات مثبت نظام پولی و بانکی کشور در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، تلاش جهت حذف ربا از نظام پولی و بانکی و حرکت به سمت نظام بانکداری بدون ربا و منطبق با اصول شریعت اسلامی بوده است. تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در شهریور ۱۳۶۲ و اجرای آن از سال ۱۳۶۳ حرکتی امیدوارکننده در این راستا بود. علاوه بر این قابل کتمان نیست که نظام بانکداری ایران در زمینه‌هایی همچون توسعه کمی و کیفی زیرساخت‌های فنی و ابزارهای نظام پرداخت از جمله در بانکداری الکترونیک، تنوع‌بخشی به نظام بانکی با توسعه انواع بانکداری تجاری، تخصصی، توسعه‌ای و شرکتی، رشد و توسعه بانکداری خصوصی، تقویت کارکردی بازار ریالی و ارزی بین بانکی، تقویت مدیریت ریسک و حاکمیت شرکتی در بدنه نظام بانکی، رشد تأمین مالی خرد در جهت افزایش رفاه خانوارها و ایجاد کارآفرینی، رشد کمی و کیفی ارائه خدمات بانکی در سراسر کشور اعم از نقاط دورافتاده و محروم، تأمین مالی ساخت و نوسازی مسکن شهری و روستایی، افزایش دانش و تحصیلات پرسنل و مدیران بانکی،

افزایش معلومات و اطلاعات امور بانکی در جامعه مشتریان، رشد مدیریت دانش و آرایه اطلاعات آماری به جامعه علمی و کارشناسی کشور و ... پیشرفت‌های قابل ملاحظه و چشمگیری نسبت به دوران پیش از انقلاب داشته است. اما مهم‌ترین مولفه‌های نظام بانکداری پس از پیروزی انقلاب اسلامی به قرار زیر است.

-الگوهای عقلایی و نظری در نظام بانکداری: در هر اقتصادی، نیاز به انتقال وجوه از پس انداز کنندگان به سرمایه گذاران وجود دارد؛ زیرا معمولاً افرادی که پس انداز می‌نمایند، توانایی بهره برداری از فرصت‌های سرمایه گذاری سود ده را ندارند. این وظیفه اقتصادی یعنی انتقال وجوه از پس انداز کنندگان به سرمایه گذاران، یا به وسیله تأمین مالی مستقیم در بازارهای اوراق بهادار و یا از طریق فرآیند واسطه گری مالی در بازارهای مالی، انجام می‌گیرد. در بیان اهمیت واسطه گری مالی توجه به این مطلب کافی است که در اغلب کشورها نزدیک به دو سوم سرمایه گذاری‌های جدید از طریق این فرآیند انجام می‌گیرند، واسطه گری مالی کارایی فرآیند پس انداز/ سرمایه گذاری را به وسیله، کاهش دادن هزینه‌های معاملاتی و به وسیله بر طرف کردن عدم تطابقی که به طور طبیعی در هر اقتصادی بین نیازهای بخش‌های دارای مازاد وجه با بخش‌های دارای کسری وجه وجود دارد، افزایش می‌دهد. به دلیل آنکه معمولاً پس انداز کنندگان یعنی واحدهای عرضه کننده وجوه، خودشان سرمایه گذاری انجام نمی‌دهند بلکه واحدهای دیگری این وجوه را برای سرمایه گذاری نیاز دارند، لذا این دو گروه یعنی پس انداز کنندگان و سرمایه گذاران، اگر بخواهند به صورت مستقیم و بدون استفاده از واسطه‌های مالی فعالیت کنند، به اطلاعات قابل توجهی در مورد یکدیگر احتیاج دارند و بدست آوردن این اطلاعات هزینه خواهد داشت. بنابراین فرآیند انتقال وجوه از پس انداز کنندگان به سرمایه گذاران، شامل هزینه‌های معاملاتی خواهد بود. به علاوه، به دلیل وجود اطلاعات نامتقارن، عدم استفاده از واسطه‌های مالی موجب به وجود آمدن مشکلاتی در زمینه انتخاب معکوس و خطر اخلاقی می‌گردد. واسطه گری مالی می‌تواند از صرفه جوئی‌های مقیاس، که منظور صرفه جوئی‌هایی است که در هزینه‌ها به دلیل افزایش حجم تولید به وجود می‌آیند، استفاده نموده و در نتیجه موجب کاهش هزینه‌های معامله‌ای انتقال وجوه از بخش‌های دارای مازاد به بخش‌های دارای کسری شوند. همچنین واسطه‌های مالی، به دلیلی مشابه، بهتر می‌توانند از عهده مشکلاتی که از اطلاعات نامتقارن نشئت می‌گیرند، برآیند و به طور مشابه، فرآیند واسطه گری مالی موجب

برطرف شدن عدم تطابق‌هایی می‌شود که بین پس انداز کنندگان و سرمایه گذاران در زمینه سلاقی، دوره‌های سررسید و در حجم وجوه وجود دارد (چقازردی، ۱۳۷۷، ۵۵-۵۷). واحدهایی که در اقتصاد دارای مازاد وجه می‌باشند، معمولاً خانوارهای کوچکی هستند که نسبتاً وجوه با حجم کم پس انداز می‌کنند و در مقابل واحدهای دارای کمبود وجه معمولاً بنگاه‌های بزرگی هستند که به وجوه با حجم زیاد احتیاج دارند. واسطه گره‌های مالی به وسیله جمع آوری نمودن وجوه کوچک و یک کاسه کردن آن‌ها به نحوی که مناسب نیاز تقاضا کنندگان وجوه باشد، این عدم تطابق بین حجم پول عرضه شده و حجم پول تقاضا شده را از بین می‌برند. به علاوه، معمولاً استفاده کنندگان از وجوه، آن را برای مدت زمانی نسبتاً بلند مدت نیاز دارند که دلچسب تأمین کنندگان خرد نمی‌باشد. این مطلب موجب می‌شود که بین پس انداز کنندگان خرد و استفاده کنندگان از وجوه نوعی عدم تطابق در سررسید و ترجیحات نقدینگی به وجود بیاید. واسطه گرها در این جا هم به وسیله جمع آوری وجوه کوچک تعارض را حل می‌نمایند (ایزدی فرد، ۱۳۸۶، ۲۶).

وظایف و عملکردهایی که در بالا برای بانک‌ها به صورت کلی بیان شد، حقیقتاً مفید و پسندیده از منظر اجتماعی می‌باشند، ولی متأسفانه، نرخ بهره در تمامی این عملکردها، حرف اساسی را می‌زند. واسطه گری مالی اسلامی تلاش زیادی می‌نماید که هم برای بسیج پس اندازها و هم برای بهره‌گیری پس اندازها در مصارفی مولد، نرخ بهره را با روش‌ها و ابزارهای دیگری جایگزین نماید. فعالیت‌هایی که بانک‌ها انجام می‌دهند دارای اهمیت می‌باشند، چه اقتصاد سکولار باشد چه اسلامی. به عبارتی مردم در هر دو نظام، به خدمات بانکی نیاز دارند. در این شرایط، بدلیل اینکه خدمات بانکی مورد نیاز ست ولی از طرفی دادن و گرفتن بهره از نظر شرعی ممنوع گردیده لذا اقتصاد اسلامی باید برای اجرای وظایف گوناگون بانکی بدون بهره انجام گیرند و پاسخ به این مسئله اصول بنیادین بانکداری اسلامی را به وجود می‌آورد (گلریز، ۱۳۸۶، ۴).

واسطه گری مالی دارای نقش محوری در بانکداری و تأمین مالی اسلامی در سیاستگذاری‌های نظام بانکی می‌باشد. از لحاظ تاریخی، نقش واسطه گری مالی در اقتصاد اسلامی را می‌توان در قاعده المضارب المضارب مشاهده نمود؛ تجربه‌ای که از قرون اولیه در تاریخ اسلام وجود داشته. این قاعده می‌تواند به این صورت بیان شود که آن کسی که وجوه را براساس تسهیم سود بسیج می‌کند، از منظر شرعی این امکان برایش وجود دارد که این وجوه را براساس همین اصل به استفاده کنندگان عرضه کند و به طور مشابه، در بحث اجاره،

مستأجری که مالک منفعت مال می‌باشد، می‌تواند این منفعت را به قیمتی بالاتر از آنچه که اجاره کرده بفروشد و ارزش افزوده ایجاد نماید. در اینجا هم مستأجر به عنوان واسطه عمل کرده است. همچنین باید ذکر گردد که در دوره‌های اولیه اسلامی، اغلب تجارت‌های کاروانی از طریق مضاربه تأمین مالی می‌شدند. در تجارت، از منظر شرعی مشکلی وجود ندارد که فردی کالایی را بر اساس سفارش فرد دیگر به قیمت مشخص بخرد و آن را به سفارش دهنده به قیمتی بالاتر بفروشد؛ یعنی در تجارت هم واسطه‌گری شرعی است. فقهای اسلام، کسب سود از واسطه‌گری را به عنوان یک شغل صحیح در نظر می‌گیرند. ولی باید توجه گردد که این مفهوم از واسطه‌گری مالی که در بالا ذکر شد به بحث تولید و معاوضه کالاها و خدمات واقعی گره خورده است (فردریک، ۱۳۸۷، ۷۸).

وظایفی که بانک‌ها و دیگر مؤسسات مالی اسلامی به عهده دارند شبیه وظایفی است که بانک‌ها و مؤسسات مالی متعارف برعهده دارند. مطالعات نظری در اقتصاد اسلامی، از روش‌های جایگزین اسلامی در تأمین مالی، به منظور ساختن الگوهایی که از طریق آن‌ها وظایف بانکی بتوانند اجرا گردند، استفاده کرده‌اند.

-تسهیم ریسک: مهم‌ترین شاخصه نظام بانکداری پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آن است که این نظام بانکداری میزان تسهیم ریسک را بین دو گروه یعنی، عرضه کنندگان وجوه (سرمایه‌گذار) در یک طرف و هر دوی واسطه‌گر مالی (بانک) و استفاده‌کننده از وجوه (کارفرما) در طرف دیگر، افزایش می‌دهد. در حالی که در بانکداری متعارف عکس این مطلب وجود دارد؛ یعنی سرمایه‌گذار از دستیابی به یک نرخ بهره از پیش تعیین شده خاطر جمع است. به دلیل آنکه عدم قطعیت جزو طبیعت این جهان است، نتایج هیچ پروژه‌ای با یک پیش‌بینی قطعی مشخص شده نیستند. بنابراین، همواره مقداری ریسک وجود خواهد داشت. در بانکداری متعارف در حال کلی، این ریسک به طور کامل بر دوش کار آفرین است. خواه پروژه موفق شود و به سود انجامد و خواه شکست بخورد و به ضرر انجامد، مالک سرمایه به بازده از پیش تعیین شده‌اش خواهد رسید؛ اما در اسلام، این نوع توزیع ناعادلانه ریسک غیرقابل قبول می‌باشد و از این رو در بانکداری اسلامی هر دوی سرمایه‌گذار و کارفرما، بسته به عرضه و تقاضا وجوه، در نتایج پروژه با هم شریک‌اند. اگر پروژه سود داشت، هر دوی آن‌ها بر طبق نسبتی که از قبل مورد توافق طرفین قرار گرفته، در آن شریک‌اند و اگر پروژه ضرر داد، تمامی ضررهای مالی بر دوش سرمایه‌گذار خواهد بود و

کارفرما برای عملش چیزی دریافت نمی‌کند؛ یعنی ضرر کارفرما نرسیدن به سود در مقابل عملش است (کدخدایی، ۱۳۸۰، ۴۶).

- تأکید داشتن بر بهره‌وری در برابر تأکید بر شایستگی اعتباری: در بانکداری متعارف، تنها موضوع مهم برای بانک آن است که وامی که می‌دهد و نرخ بهره‌ای که به آن تعلق می‌گیرد، به موقع به بانک پرداخت شوند؛ بنابراین در دادن وام اصل مهمی که در نظر می‌گیرد، وجود شایستگی اعتباری قرض‌گیرنده است. در حالی که طبق اصل تسهیم سود و زیان، بانک فقط در صورت موفق بودن پروژه و به وجود آمدن سود، بازده دریافت می‌کند؛ بنابراین یک بانک اسلامی بیشتر نگرانی‌اش در مورد مناسب بودن پروژه و فراست کسب و کار و توانایی مدیریتی کارفرما است و نه توانایی بازپرداخت. این جنبه از بانکداری اسلامی در بحث توزیع اعتبارات و همچنین پایدار نمودن نظام بانکداری، کاربردهای مهمی دارد. بعضی از این کاربردها در بخش‌های بعدی این تحقیق ذکر می‌گردند. حتی در روش‌های غیر تسهیمی مانند مرابحه، تأمین مالی به یک کالا و یا دارایی پیوند خورده است؛ که این به کاررفتن دارایی در فعالیت‌های دارای بهره‌وری را تضمین می‌نماید و همچنین استفاده قمارگونه و ولخرجانه وجوه را به حداقل می‌رساند (امینی، ۱۳۸۵: ۵).

- ابعاد اخلاقی: بانک‌های متعارف معمولاً توجه بسیار کمی به نتایج اخلاقی فعالیت‌هایشان در تأمین مالی، می‌نمایند. در مقابل در نظام اسلامی، تمامی عوامل اقتصادی باید در نظام ارزش‌های اخلاقی اسلام فعالیت نمایند و بانک‌های اسلامی هم از این قاعده مستثنی نمی‌باشند. بدین معنی که، آن‌ها نمی‌توانند پروژه‌هایی را که با نظام ارزش‌های اخلاقی اسلام در تعارض‌اند، تأمین مالی نمایند. به عنوان مثال، آن‌ها کارخانه مشروب‌سازی، کازینو، کلپ شبانه و با هر فعالیت دیگری را که از نظر اسلام ممنوع شده و یا هر چیزی که به عنوان ضرر زنده به جامعه شناخته شده، را تأمین مالی نخواهند نمود (توکلی و کریمی، ۱۳۹۳، ۸۷).

- سود بر روی دارایی‌ها: در سال ۱۹۹۶ نرخ متوسط بازدهی دارایی‌ها برای ده بانک اول اسلامی برابر با ۱،۴۲ درصد بود. این عدد را می‌توان با نرخ‌های مرتبط به آن، برای بانک‌های تجاری، مقایسه نمود و این نکته هم باید بیان گردد که سپرده‌گذاران بانک‌های متعارف مورد ضمانت قرار گرفته‌اند و به این دلیل ریسک کمتری را نسبت به سپرده‌گذاران بانک‌های اسلامی تحمل می‌نمایند. بنابراین سپرده‌گذاران بانک‌های اسلامی برای جبران نمودن این ریسک اضافه‌ای که تحمل می‌کنند، انتظار نرخ بازدهی بالاتری را دارند. به نظر

می‌رسد نرخ‌های فعلی، سودهای بر روی دارایی، برای بانک‌های اسلامی به اندازه‌ای نیست که این توقعات سپرده‌گذاران را تأمین نماید. مع‌هذا، در یک چهارچوب مقایسه‌ای، عملکرد بانک‌های اسلامی بد نمی‌باشد. ولی در هر حال نیاز به پیشرفت وجود دارد. همچنین باید بیان گردد که نرخ‌های پایین سود برای ده بانک اول جهان و همچنین آسیا به دلیل این واقعیت می‌باشد که نرخ از این بانک‌ها اخیراً با ضررهایی مواجه گردیده‌اند و در نتیجه مقادیر میانگین را پایین کشیده‌اند. این ضررها به طور عمده‌ای به دلیل قرض‌های بد بودند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بانکداری اسلامی به عنوان یک مدل به صورت مناسبی عمل می‌نماید (توکلی و کریمی، ۱۳۹۳، ۸۹).

-فعالیت‌های تأمین مالی: به دلیل فقدان اطلاعات دقیق در رابطه با فعالیت‌های عملیاتی اغلب بانک‌ها، به منظور انجام تحلیلی بهتر، یک نمونه ده تایی از بانک‌ها انتخاب گردیدند. برای انتخاب این نمونه دو ملاک اصلی وجود داشتند. اول، آنکه بانک منتخب می‌بایست دارای یک اندازه حداقلی می‌بود تا از لحاظ آماری معنادار باشد. ضابطه دوم در انتخاب این بانک‌ها، موجود بودن اطلاعات بود. بانک‌هایی که در داخل نمونه قرار داشتند، بیش از پنجاه درصد دارایی‌های کلی بانک‌های اسلامی را در سال ۱۹۹۶ تشکیل می‌دادند؛ بنابراین ما با اطمینان می‌توانیم این فرض را بنماییم که این نمونه، بسیاری از ویژگی‌هایی که بانک‌های اسلامی در کل دارند، یعنی جامعه، را بیان می‌دارد. بعضی از نتایج تجربی که بر پایه این نمونه بدست آمده‌اند در بخش زیر مورد بحث قرار گرفته است (صادقی شاهدانی و آقابابایی، ۱۳۹۰، ۱۱۲).

### ۳- نظام بانکداری اسلامی در برنامه‌های توسعه اقتصادی

سه برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه هر کدام در فصلی به سیاست‌های مالی و بانکی پرداختند. در برنامه چهارم توسعه اقتصادی در بند (ج) و (د) ماده ۱۰ به اهداف و سیاست‌های نظام بانکی اشاره شده است. اهداف مذکور در بند (ج) راستای اجرای اهداف و سیاست‌گذاری‌های بانکی، تأمین رشد اقتصادی و کنترل تورم و بهبود بهره‌وری منابع مالی سیستم بانکی که دولت مکلف است بدهی خود به بانک مرکزی و بانکها را طی سالهای برنامه چهارم با منظور کردن مبالغ بازپرداخت در بودجه‌های سنواتی کاهش دهد. همچنین در طول سالهای برنامه چهارم، حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) از تسهیلات اعطایی کلیه بانک‌های کشور با هماهنگی دستگاههای اجرایی ذیربط به بخش آب و کشاورزی اختصاص می‌یابد. در این بین، افزایش در مانده تسهیلات تکلیفی بانکها طی سالهای برنامه چهارم، به

طور متوسط سالانه بیست درصد (۲۰٪)، نسبت به رقم مصوب سال ۱۳۸۳ کاهش می‌یابد. دولت مکلف است از سال اول برنامه چهارم، نسبت به برقراری نظام بانکداری الکترونیکی و پیاده سازی رویه‌های تبادل پول و خدمات بانکی الکترونیکی ملی و بین‌المللی در کلیه بانکهای کشور و برای همه مشتریان اقدام نماید. همچنین در جهت ایجاد فضای رقابتی سالم و به دور از انحصار در سیستم بانکی و به منظور اقتصادی نمودن فعالیت بنگاهها، موسسات و سازمان‌های دولتی و دیگر نهادهای عمومی و شهرداری‌ها برای دریافت خدمات بانکی بنگاه‌های مذکور مجازند بانک عامل را رأساً انتخاب نمایند.

در برنامه پنجم توسعه اقتصادی نیز به سیاست‌های نظام بانکی و اهداف آن توجه خاصی شده بود. ماده ۴۹ این برنامه در راستای توسعه نظام بانکداری بیان می‌داشت: «به منظور توسعه و تقویت نظام بانکداری اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف- استقرار کامل سامانه (سیستم) بانکداری متمرکز و تبدیل کلیه حساب‌ها اعم از سپرده اشخاص و تسهیلات به حساب‌های متمرکز توسط بانک‌ها با رعایت استانداردها و دستورالعمل‌های بانک مرکزی

ب- ایجاد و بهره برداری مرکز صدور گواهی الکترونیک برای شبکه بانکی با همکاری مرکز صدور گواهی الکترونیک کشور توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به منظور افزایش امنیت تبادل اطلاعات الکترونیک

تبصره - کلیه بانک‌ها امکان استفاده از امضاء الکترونیک را در تعاملات بانکی خود تسهیل نمایند».

در این برنامه، به بانک مرکزی اجازه داده شده بود در چهارچوب قانون بودجه سنواتی جهت تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی توسعه‌ای دولتی نسبت به انتشار اوراق مشارکت و انواع صکوک اسلامی در بازارهای بین‌المللی اقدام نماید. اما در برنامه پنجم توسعه در نظام بانکی یک نوآوری نسبت به برنامه چهارم پیش بینی شده بود و آن گسترش و نهادینه کردن قرض الحسنه بود. بر همین اساس، شبکه بانکی کشور موظف شده بود حداکثر تا پایان سال اول برنامه نسبت به تفکیک حساب‌ها و ایجاد سازوکارهای مجزای اداری به نحوی اقدام کند که منابع تجهیز شده از حساب‌های پس انداز قرض الحسنه پس از کسر ذخیره قانونی و احتیاطی، صرفاً برای اعطای تسهیلات قرض الحسنه صرف شود. مسؤولیت حسن اجرای این بند با بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است. در راستای تحقق این مهم، دولت

مجاز بود با تشویق و حمایت مالی و حقوقی از صندوق‌های قرض الحسنه مردمی تحت نظارت بانک مرکزی، سازوکار لازم را برای توسعه آن‌ها فراهم نماید.

با پایان بازه زمانی اجرای «برنامه پنج ساله پنجم توسعه» در پایان سال ۱۳۹۵، «برنامه پنج ساله ششم توسعه» بر اساس سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مبتنی بر محورهای سه‌گانه «اقتصاد مقاومتی»، «پیشتازی در عرصه علم و فناوری» و «تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی» تهیه و در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. برنامه مزبور در چارچوب بندهای (۶) و (۹) سیاست‌های کلی برنامه مبنی بر «تأمین مالی فعالیت‌های خرد و متوسط به وسیله نظام بانکی» و «اعمال نظارت کامل و فراگیر بانک مرکزی بر بازار و مؤسسات پولی، بانکی و اعتباری و ساماندهی مؤسسات و بازارهای غیرمشکل پولی و مالی در جهت ارتقاء شفافیت و سلامت و کاهش نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات»، در قسمت‌های مختلفی از جمله «اقتصاد کلان»، «بودجه و مالیه عمومی» و به طور مشخص بخش «نظام پولی و بانکی و تأمین منابع مالی»، تکالیف و برنامه‌هایی را در جهت نیل به اهداف و سیاست‌های مذکور برای نظام بانکی کشور مقرر کرده است. بر این اساس، در بخش اشاره شده با رویکرد تحقق سیاست‌های کلی برنامه و افزایش اقتدار و اختیارات نظارتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به ذکر برخی احکام مرتبط با نظام پولی و بانکی کشور پرداخته که از اهم آن‌ها می‌توان به اعطای اختیارات بیشتر به بانک مرکزی برای اتخاذ اقدامات نظارتی و انتظامی علاوه بر اختیارات قانونی مندرج در قانون پولی و بانکی کشور، از جمله اعمال محدودیت یا ممنوعیت توزیع سود و اندوخته‌ها بین سهامداران مؤثر بانک‌ها و سلب حق رأی از آن‌ها، اعمال محدودیت یا ممنوعیت پرداخت پاداش و مزایای مدیران بانک‌ها و سلب صلاحیت حرفه‌ای مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره بانک‌ها نام برد (جمشیدی، ۱۳۹۷: ۱۷).

همچنین برای انجام عملیات بانکی، واسپاری (لیزینگ)، صرافی و غیره توسط اشخاص حقیقی و حقوقی بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی، مجازات از نوع تعزیری درجه شش تعیین شده و نیروی انتظامی موظف شده بنا به اعلام بانک مرکزی نسبت به توقف فعالیت یا تعطیل کردن مؤسسات پولی و بانکی و شعب غیرمجاز اقدام کند. علاوه بر این، هرگونه تبلیغ برای ارائه خدمات پولی و بانکی بدون رعایت ضوابط مربوط مستوجب جریمه نقدی دانسته شده است. تشکیل شورای فقهی بانک مرکزی را می‌توان از دیگر اقدامات قابل توجه در جهت حصول اطمینان از اجرای صحیح عملیات بانکی بدون ربا در نظام بانکی کشور دانست.

ضمن آن که بار دیگر لزوم افتتاح تمامی حساب‌های دستگاه‌های دولتی و نهادهای اجرایی مورد اشاره در قانون، از طریق خزانه‌داری کل کشور نزد بانک مرکزی مورد تأکید قانون‌گذار محترم قرار گرفته است.

#### ۴- بانکداری اسلامی و وابستگی شغلی در برنامه‌های توسعه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در ایران موضوع نظام بانکداری نقش مؤسسات مالی و بانکی در مسائل اقتصادی جوامع بسیار کلیدی می‌باشد. بانک‌ها با در دست داشتن بخش بزرگی از پول کشور، نقش مهمی در اقتصاد جامعه دارند و به دلیل این نقش حساس، دولت‌ها با بازرسی بر بانک‌ها از آنها به عنوان اهرم قدرتمند در نیل به سیاستگذاری و برنامه‌های اقتصادی خود به کار می‌برند. بر همین اساس پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سیاستگذاری برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور، به نحوه عملکرد نظام بانکی در قالب موازین شرعی و برای تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام از جمله عدالت اقتصادی و رشد اقتصادی توجه خاصی شده است که این مهم می‌تواند در نتیجه وابستگی شغلی در بین کارکنان محقق گردد. اجرایی شدن این موضوع در سازمان‌ها از جمله نظام بانکداری معیار و ابعادی باید در سیاستگذاری‌های مدنظر قرار گیرد.

- عقلانیت جامعه سازمانی در تدوین اهداف، استراتژی و خط و مشی‌ها: سازمان‌های موفق و پیشرو، اهداف و استراتژی‌های خود را بر پایه مجموعه‌ای از انواع عقلانیت‌ها تدوین می‌کنند به نحوی که نیازها و خواسته‌های مدیران، کارکنان و حتی جامعه در قالب مسئولیت اجتماعی را شامل شده و با پیش بینی صحیح آینده منافع ذی نفعان را تأمین سازد. عقلانیت سازمانی همان تطابق تصمیم‌ها، انتخاب فرایندها و نحوه ارزیابی‌ها براساس خرد و عقلانیت جامع (اقتصادی، قانونی، خط و مشی گذاری و ...) است که نقشی تعیین کننده در شکل گیری اعتماد سازمانی ایفا می‌کند. براساس مطالعات صورت گرفته عقلانیت سازمانی به منظور اجرای استراتژی وابستگی شغلی بهتر است بر سه زیرمعیار استوار باشد: تصمیم گیری‌های سازمانی برنامه ریزی و شیوه اجرا نحوه ارزیابی برنامه‌ها. مدیریت سازمان باید از میان انواع برنامه‌ها و راهبردهای وابستگی شغلی براساس شرایط سازمان خود و مزیت و محدودیت‌های آن بهترین را انتخاب نماید. درجه مشارکت و یا میزان نفوذ و کنترلی که کارکنان در تصمیم گیری سازمان اعمال می‌کنند در موفقیت استراتژی وابستگی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. باید در نظر داشت که مبنای قانونی ایجاد وابستگی در خط و مشی‌های سازمان به خوبی تعریف شده باشد. امکان سنجی اقتصادی و هزینه‌های مرتبط با اجرای آن

صورت گرفته باشد- سنج‌های سنجش مناسب به منظور شناسایی و اندازه‌گیری شاخص‌های استراتژی وابستگی ارائه شود- تأثیر اجرای اهداف و استراتژی وابستگی بر مجموعه سازمان ارزیابی و به شکلی ملموس و کمی به همه ذی‌نفعان ارائه گردد(محمدمظاهری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲).

- دوره‌های آموزشی و مهارتی: تحقق وابستگی شغلی مانند هر استراتژی و برنامه‌ی سازمانی نیاز به مهارت‌های خاص خود دارد. اصولاً آموزش و یادگیری (چه در راستای وابستگی شغلی و یا غیر از آن) باعث می‌شود تا کارکنان بواسطه داشتن سرمایه‌ی دانشی و مهارتی بیشتر احساس ارزشمندی و اعتماد به نفس بیشتری را تجربه کنند. وقتی کارکنان را از آموزش‌های مؤثر و مفید توانمند می‌کنیم آن‌ها در کارشان موفق‌تر می‌شوند اعتبار و احترام بیشتری کسب و وابستگی شغلی و سازمانی آنها افزایش می‌یابد. همچنین از طریق داشتن عملکرد رضایت‌بخش ارتقا می‌گیرند و برای تصدی مشاغل پیچیده‌تر آمادگی پیدا می‌کنند.

- اعتماد: بسیاری از محققان، به اعتماد در سطح درون سازمانی توجه کرده و بر پیوند ویژگی‌های سازمانی و اعتماد بین مدیران و کارکنان تمرکز کرده‌اند. برای رسیدن به اعتماد باید پیش از آن، پاسخگویی و رضایت سازمانی فراهم گردد (دانایی فرد، ۱۳۹۲: ۵۹-۶۰). چرا که عدم پاسخگویی سازمان در قبال تصمیماتش در زمینه‌های گوناگون نارضایتی به دنبال خواهد داشت و نارضایتی نیز مانع از شکل‌گیری اعتماد می‌گردد. به منظور شکل‌گیری اعتماد سازمانی در حوزه برنامه‌های وابستگی شغلی به زیرمعیارهای زیر می‌توان اشاره کرد: پاسخگویی - عدالت و انصاف - رضایت سازمانی. تدوین قانون پاسخگویی عمومی در سازمان‌ها به این معنی که سازمان و مدیران نسبت به اجرای استراتژی‌ها و نتایج حاصل از آن در برابر کارکنان پاسخگو و مسئول باشند. وجود آزادی نسبی اطلاعات و شفاف‌سازی به نحوی که احساس نزدیکی بین کارکنان و سازمان حاصل گردد.

- تبدیل مدیریت سازمانی به رهبری سازمانی: رهبران سازمانی در سازمان‌های موفق امروزی به خوبی چشم‌اندازها و مأموریت سازمان را درک کرده و متعهدانه در تدوین آن نیز شرکت می‌کنند. آن‌ها نقش مهمی در ارزش‌ها، هنجارها و راهبردهایی که برای حصول اهداف و استراتژی‌ها مورد نیاز سازمان می‌باشند را ایفا می‌کنند و با نفوذی که در مجموعه تحت رهبری خود دارند با اعمال و رفتار مناسب سازمان را در مسیر چشم‌اندازهایش به خوبی یاری می‌دهند. از پیش شرط‌های وجود وابستگی شغلی در میان کارکنان بهره‌بردن

از مدیرانی است که ویژگی‌های یک رهبر را با خود به همراه داشته باشند و با استفاده از نفوذ خود در کارکنان زمینه تحقق هر چه بهتر وابستگی شغلی را فراهم آورند.

- فرهنگ سازمانی: بدون وجود یک بستر فرهنگی مناسب تصور موفق بودن یک استراتژی بسیار سخت به نظر می‌رسد. بدین منظور برای اجرای برنامه‌هایی همچون ارتقای وابستگی شغلی کارکنان در سازمان، دیدگاه و عقاید مشترک کارکنان که در طی زمان شکل می‌گیرد (فرهنگ) باید پذیرای علاقه مندی به شغل بوده، آن را ضروری و مفید دانسته و برای عملی ساختن آن تلاش کنند. در این راستا سازمان نیز باید برنامه‌های فرهنگی مناسب را متناسب با شرایط سازمان تدوین و اجرا نماید. در سیاستگذاری برنامه‌های توسعه به این موضوع اشاره شده است. برای مثال، با پایان بازه زمانی اجرای «قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه» در پایان سال ۱۳۹۵، «قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه» مبتنی بر سیاست‌های کلی ابلاغی مبتنی بر محورهای سه گانه «اقتصاد مقاومتی»، «پشتتازی در عرصه‌ی علم و فناوری» و «تعالی و توسعه فرهنگ سازمانی» ارائه گردید که نشان از توجه به فرهنگ سازمانی است.

- ساختار مناسب سازمانی: وجود ساختار سازمانی مناسب که روابط، مقررات و قوانین موجود در آن وابستگی شغلی را تسهیل کند، در موفقیت سیاستگذاری‌های ارتقای وابستگی شغلی نقشی تعیین کننده ایفا می‌کند. به منظور استفاده هر چه موثرتر نقش ساختار در وابستگی شغلی نیاز به زیرمعیارهایی داریم: پیچیدگی، رسمیت، تمرکز، ارتباطات.

- جبران خدمت و مزایا: سازمانی که در پی بهبود بهره‌وری منابع انسانی و وابستگی آن‌ها در شغل می‌باشد. به نظام جبران خدمت و مزایایی نیاز دارد که به شکلی مؤثر از اهداف فرهنگ و استراتژی‌های سازمان و همینطور انگیزه کارکنان پشتیبانی کند، منصفانه و عادلانه عمل کرده شایستگی را رصد کند و مورد تقدیر قرار دهد. وابستگی شغلی عملاً بدون وجود چنین نظام جبران خدمتی توفیقی نخواهد داشت. زیرمعیارهای برای اثر بخش بودن جبران خدمت و مزایا: عادلانه و منصفانه، جذاب بودن، فاصله زمانی دریافت جبران خدمت (مادی و غیر مادی).

### نتیجه گیری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و لزوم تغییر و اصلاح امور اقتصادی، نظام بانکی کشور که شاه‌رگ اقتصاد و از مراکز حساس بود مورد توجه قرار گرفت. ساختار نظام بانکی از ابتدای انقلاب تاکنون دچار تغییرات متعدد گردیده است در ابتدا کلیه بانک‌های کشور در سال ۱۳۵۸ ملی اعلام میگردد تا تحت نظارت و کنترل دولت در آمده و در جهت اهداف

حاکمیت اسلامی فعالیت نمایند و پس از آن تعدادی از بانکهای کشور در همدیگر ادغام گردید و در نهایتا در سال ۱۳۶۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا تصویب می گردد که در این قانون نظام بانکی کشور غیر ربوی و مبتنی بر عقود شرعی اعلام می گردد. از همین رو برنامه‌های توسعه تدوین شده پس از سند چشم انداز نقطه عطف برنامه ریزی توسعه در حوزه سیاست‌های پولی و بانکی محسوب می‌شوند چرا که هر چند محدود اما بر لزوم تأمین و پیاده‌سازی نظام بانکداری اسلامی تاکید کردند. بر همین اساس در هر کدام از برنامه‌های توسعه اقتصادی به سیاست و اهداف نظام اقتصادی و بانکداری توجه خاصی شده است.

با توجه به آن که، نظام بانکی به عنوان بزرگ‌ترین عنصر سیستم اقتصادی و به عنوان یک نهاد دولتی خدمات متعددی را به مشتریان به افراد جامعه ارائه می‌کند و به دلیل اینکه به عنوان بازوی اجرایی دولت پیشبرد برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های اقتصادی دولت شناخته می‌شود و از آنجایی که عملکرد این گونه سازمان‌ها تا حد زیادی تحت تأثیر عملکرد شغلی کارکنان قرار دارد، بنابراین حل مسئله کارراه شغلی کارکنان اهمیت بسزایی دارد. همین مسئله موجب شده است در برنامه‌های توسعه به موضوع نظام بانکداری توجه شده و در راستای ارتقا و توسعه اهداف اقتصادی، پیشتازی در عرصه علم و فناوری و تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی به وابستگی شغلی به عنوان یک امر ضروری نگریسته شده است. اگرچه باید گفت در هیچ کدام از برنامه‌های توسعه اقتصادی به طور صریح به وابستگی شغلی اشاره‌ای نشده است اما از منظر سیاستگذاری برنامه‌های توسعه اقتصادی مولفه‌های عقلانیت جامع سازمانی، اعتماد، فرهنگ سازمانی، جبران خدمت و مزایا مولفه‌های وابستگی شغلی کارکنان بود که لازم است توجه خاصی به این ابعاد و مولفه‌ها گردد تا شاهد پیشرفت و توسعه نظام بانکداری در تحقق اهداف ساستگذاری برنامه‌های توسعه در ارتباط با نظام بانکی جامعه بود.

## منابع و مأخذ:

- اکبریان، رضا و رفیعی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، «بانکداری اسلامی، چالش‌های نظری- عملی و راهکارها»، **اقتصاد اسلامی**، دوره هفتم، ش ۲۶.
- امینی، امیرحوشنگ (۱۳۸۵)، «گفتار کوتاه درباره: ضرورت کاهش نرخ بهره بانکی پول»، **فصلنامه اتاق بازرگانی**، سال اول، ش ۲.
- ایزدی فرد، علی اکبر (۱۳۸۶)، «تأملی فقهی و حقوقی در مضاربه بانکی»، **مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان**، سال اول، ش ۸.
- توکلی، محمدجواد و کریمی، عبدالخالق (۱۳۹۳)، «شاخص بانکداری اسلامی»، **مجله معرفت اقتصادی**، سال ششم، ش ۱.
- جمشیدی، سعید (۱۳۹۷)، **بانکداری اسلامی**، تهران، شکوه اندیشه.
- چقازردی، محمد (۱۳۷۷)، «وجه افتراق نظام بانکداری بدون ربا با نظام بانکداری ربوی»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه تهران.
- دائایی فرد، حسن (۱۳۹۲)، **چالشهای مدیریت دولتی در ایران**، تهران، سمت.
- دریایی، رضا و کربلایی آقازاده، مصطفی (۱۳۹۳)، «ماهیت حقوقی سپردهگذاری نزد بانکها»، **مجله مطالعات حقوقی**، دوره ششم، ش ۲.
- زمانی فراهانی، مجتبی (۱۳۸۹)، **پول، ارز و بانکداری**، تهران، ترمه.
- السان، مصطفی (۱۳۹۰)، **حقوق بانکی**، تهران، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- سلطانی، محمد (۱۳۹۵)، **حقوق بانکی**، تهران، میزان.
- سیفیلو، سجاد (۱۳۸۹)، «حساب سرمایه گذاری ویژه راهکاری برای سود ثابت»، **دوفصلنامه علمی- تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی**، سال دوم، ش ۲.
- صادقی شاهدهانی، مهدی و آقابابایی، محمد ابراهیم (۱۳۹۰)، «تحلیل مقایسه‌ای ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و بانکداری متداول»، **مجله تحقیقات مالی اسلامی**، دوره اول، ش ۱.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۶)، «تفاوت ربا و بهره بانکی»، **نشریه فلسفه، کلام و عرفان**، سال اول، ش ۱۲.
- فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۷)، **سیاست اقتصادی در اسلام**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فردریک، میشل (۱۳۸۷)، **پول و ارز و بانکداری**، ترجمه علی نخجوانی، تهران، علمی و فرهنگی.
- کدخدایی، حسین (۱۳۸۰)، «پدیده ریسک در بانکداری اسلامی»، **مجله بانک و اقتصاد**، سال اول، ش ۱۶.
- گلریز، نیکو (۱۳۸۶)، «سود چیست؟ بهره چیست؟ ربا چیست؟»، **روزنامه دنیای اقتصاد**، شماره ۱۲۶۴.
- محمدمظاهری، محمد و محمدمظاهری، مسعود و خرمی، مهدی و فقیهی، پیام (۱۳۹۴)، «ارائه مدل ارتقای دل‌سنجی شغلی کارکنان بانک کشاورزی استان همدان»، **دومین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت و صنایع ایران**.
- نظربور، محمدتقی (۱۳۹۲)، **عقد و اوراق استصناع**، قم، دانشگاه مفید.